

Saʿdī (d. 691/1293)

Gulistān-i Saʿdī

Scene from Saʿdī's story of the drowning man. Painted in Shiraz circa 967/1560.

کار کردن بری گفت تو چرا کار نکنی تا از مذلت خدمت
رهایی یابی و خردمندان گفته اند نان خوردن و نشستن
به از کمر خدمت بمیان بستن و ایستادن **نظم**

بدست آهن تفته کردن خمیر
به از دست بر سینه پیش امیر

عمر گرانمایه برین صرف شد
تا چه خوری صیف و چه پوشی شتا

ای شکم خیره بنانی بساز
تا نکنی پشت بخدمت دوتا

حکایت کسی مژده آورد پیش نوشیروان عادل
که شنیدم که فلان دشمن ترا خدای بر داشت گفت

هیچ شنیدی که مرا خواهد گذاشت

اگر بمرد عدو جای شادمانی نیست
که زندگانی ما نیز جاودانی نیست

حکایت گروهی حکما بحضرت